

یکی از تحولات مهم در حوزه علوم انسانی و پژوهش‌های توسعه‌ای، توجه به مطالعات بین‌رشته‌ای است. آنچنان که در سال‌های اخیر گسترش آموزش‌ها و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در اکثر مراکز آموزشی، پژوهشی و سیاستگذاری دنیا و استفاده از علوم مختلف را شاهد هستیم. در واقع، یکی از الزام‌های تحلیل و سیاستگذاری صحیح در دنیای پیچیده کنونی، جلب همکاری اندیشمندان رشته‌هایی مانند مدیریت، اقتصاد، روانشناسی، فلسفه، علوم اجتماعی، حقوق و علوم سیاسی است. کاربست این نگرش نه اینکه یافته‌ای جدید باشد، بلکه ماهیت و سرشت علوم انسانی که موضوع مطالعه آن انسان است، چنین امری را ایجابی و ضرورتی گریزناپذیر نموده است که در نتیجه آن انجام چنین پژوهش‌هایی با سابقه‌ای حدود یک قرن و بعد از جنگ جهانی اول در برخی دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گرفت.^۱ در واقع، در دنیای امروز تلاش برای پیوند نظریه‌ها و به‌کارگیری نظریه‌های تلفیقی، به منظور ارائه چارچوب تحلیلی بهتر، بسیار مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که الینور استروم _ برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۹_ اشاره می‌کند «توسعه قابل توجه در علم، معمولاً در مرزهای رشته‌ها علمی زمانی روی می‌دهد که محققان دو یا چند رشته علمی، سؤالات قدیمی را به شیوه‌ای جدید مورد توجه قرار دهند و با آمیخته ساختن^۲ آموزه‌های مختلف به خلق اندیشه جدید دست یافته و گذر از مرز دانش فعلی را موجب شوند»^۳.

از این منظر و با توجه اهمیت نگاه‌های بین‌رشته‌ای در علم، بسیاری از پژوهش‌ها و نظریه‌ها در دو دهه گذشته به این سو هدایت شده‌اند. از این رو تحول ساختار پژوهش‌های کنونی در ایران نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به ماهیت مسأله و برقراری ارتباط بین حداقل دو رشته علمی، مانند حقوق، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، مدیریت و غیره با کارآفرینی، جهت یافتن نگاهی واقع‌بینانه‌تر به مسائل کنونی جامعه و حاکم ساختن نگرش‌های توسعه‌ای بر پایه نوآوری و کارآفرینی، امری ضروری

۱. Thomas, Dorothy Swaine (۱۹۵۲). Experiences in Interdisciplinary Research. *American Sociological Review*, ۱۷(۶), ۶۶۳.

^۲ Synthesize

^۳. Ostrom, E. linor (۲۰۰۷) Challenges and growth: the development of the interdisciplinary field of institutional analysis, *Journal of Institutional Economics*, Vol ۳, No۳, P ۲۴۰.

است. چرا که موضوع بین‌رشته‌ای بودن پژوهش‌ها، به ماهیت موضوع و مسائل جامعه برمی‌گردد. برای مثال زمانی که در سطح سازمانی، موضوع تدبیر امور^۱ مطرح می‌گردد، حوزه مدیریت و مسائل و قواعد آن در تحلیل‌ها وارد می‌شود، زمانی که بحث درباره قوانین و مصوبات برای اجرای برنامه‌های اقتصادی بیان می‌شود، از رشته حقوق و علوم سیاسی دعوت می‌گردد و تأکید و توجه خاص بر حقوق مالکیت، حقوق قراردادها و آماده کردن بستر لازم برای مشارکت مردمی در بحث، اهمیت می‌یابد. زمانی که ریشه و بنیان قواعد اقتصادی مورد پرسش قرار می‌گیرد، پای اندیشه‌های رقیب و پارادایم‌های مختلف و از جمله اقتصاد اسلامی به میان کشیده می‌شود. زمانی که از فردگرایی فراتر می‌رویم و مشکلات و مسائل اقتصادی را نه ناشی از خصیصه‌ها و مدل‌های ذهنی فردی، بلکه در یک سازمان اجتماعی و ناشی از مدل مشترک ذهنی (نهادهای اجتماعی) می‌دانیم، علوم اجتماعی به صحنه تحلیل وارد می‌شود. آنچه که اکنون برای جامعه ایران ضرورت دارد، نگاه و اندیشه‌ای جدید است که با آن بتوان فهم پدیده‌ها را تعالی بخشید و به واقعیات و مفروضات جامعه ایرانی نزدیک شد. این تحول و دگرگونی اساسی باید در روش‌های پژوهش نیز انعکاس یابد و پژوهشگر علوم انسانی به جای تحلیل پدیده‌ها با چارچوب‌های ذهنی و در حوزه‌های صرفاً آکادمیک، با جامعه و مسأله مورد بررسی تماس برقرار نماید تا فهم ذهنی با فهم عینی درآمیزد. به عبارت دیگر دیدگاه یا مدل ذهنی محقق، بازنمایی از واقعیت باشد. روشی که متأسفانه به هر دلیل، در حال حاضر مورد غفلت قرار گرفته و اندیشمندان را از محیط پژوهش و موضوع مورد بررسی منفک کرده است.

نشریات علمی بازتاب و آینه‌ای از روند پژوهش در جامعه هستند و می‌توانند جهت‌دهنده و راهنما برای انجام پژوهش باشند. از این رو، هدفمندی، پیشبرد مرزهای علم، بکارگیری آخرین دستاوردهای علمی، تأکید بر واقعیات و مسائل جامعه و پژوهش در این زمینه کاملاً پذیرفته شده است و باید راهبرد سیاستی برای مجلات علوم انسانی کنونی باشد.

سیاست‌گذاری‌های پذیرش مقاله در بیشتر نشریات، زمان و کار فکری بسیاری را به خود معطوف می‌کند. یافتن محکی برای تعیین وضعیت هر مقاله از حیث علمی بودن، پژوهشی بودن و قابلیت انتشار در یک نشریه، شاید گوهری باشد که هئیت‌های تحریریه نشریات مختلف در جست و جوی آن هستند. از آنجایی که این محک برای بسیاری از نشریات، همچنان نامکشوف است، ارزیابی یک مقاله همواره

می‌تواند در بین اعضای هیئت تحریریه یک نشریه و نیز میان نشریات مختلف، آغازگر مجادلات فراوان باشد. به ویژه که انتشار نشریات علمی در کشور ایران، نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، پدیده‌ای نوپاست و سیاست پذیرش مقاله‌ها، فاقد هدفی مشخص است. در نشریه حاضر، تلاش می‌شود شیوه ارزیابی بر اساس سنجه‌ها یا شاخص‌های مورد استفاده در نشریات علمی دنیا و نیز با توجه به ارزش‌ها پایه‌گذاری شود.

در ارزیابی هر مقاله علمی- پژوهشی، داشتن سهم علمی مورد توجه قرار می‌گیرد که تشخیص آن، یکی از وظایف مهم و دشوار داوران نشریات است. هدف از داشتن سهم علمی یا نظری، بهبود فهم ما از یک پدیده است. کورلی و گیوا^۱ دو بعد را برای ارزیابی سهم علمی هر فعالیت پژوهشی معرفی می‌کنند: (۱) اصالت^۲ و (۲) سودمندی^۳. اصالت یعنی به چالش کشیدن و بسط و توسعه دانش کنونی. پژوهشی از اصالت برخوردار است که بینش جدیدی ارائه نماید و موجب افزایش درک ما از پدیده‌ها شود. اصالت یا منحصر به فرد بودن یک ایده را می‌توان به دو زیرگروه تقسیم کرد: (۱) تعالی فهم پدیده‌ها به طریق انباشت تدریجی علم^۴، (۲) تعالی فهم پدیده‌ها به نحوی که بینشی مکاشفه‌ای^۵ را فراهم آورد. انباشت تدریجی علم، یعنی تکمیل و اضافه کردن یک جزء به دانش‌های قبلی. سهم علمی زمانی جلوه می‌کند که نظریه، چیزی را معلوم کند که قبلاً ندیده بودیم، نمی‌دانستیم یا درک نمی‌کردیم. سهم علمی لزوماً از طریق افزودن یک جزء به یافته‌های قبلی حاصل نمی‌شود، بلکه ممکن است ایده طرح شده کاملاً جدید باشد. به عبارت دیگر، نظریه جدید به ما امکان می‌دهد که با بینش و ذهنیتی نو و خارج از قیود و رسوم معمول، به پدیده‌هایی بنگریم که تصور می‌شود آنها را درک می‌کنیم. به عنوان مثال، کوز^۶ در سال ۱۹۳۷ با معرفی مفهوم هزینه‌های مبادله در تحلیل رفتار بنگاه، به بنیانی برای ضرورت وجود بنگاه‌ها اشاره داشت که نقطه عطفی کاملاً جدید بود و قبلاً کسی این موضوع را مورد

۱. Corley, Kevin G. & Dennis, A. Gioia (۲۰۱۱). BUILDING THEORY ABOUT HEORY BUILDING: WHAT CONSTITUTES A THEORETICAL ONTRIBUTION?. *Academy of Management Review*, ۳۶(۳۲), ۱۲.

۲. Originality

۳. Utility

۴. Incremental

۵. Revelatory

۶. Coase, R. H. (۱۹۳۷). The nature of the firm. *Economica*, ۴, ۴۰۵-۳۸۶.

توجه قرار نداده بود. بنابراین این نوع سهم علمی، مکاشفه‌ای است. بینش مکاشفه‌ای، به گونه‌ای تحلیلی و غیرمتعارف، فهم ما را درباره پدیده‌ای که قبلاً به گونه‌ای دیگر درک می‌کردیم، تغییر می‌دهد و شگفتی می‌آفریند. در بینش مکاشفه‌ای، فروض گذشته مورد پرسش قرار می‌گیرد و پدیده‌ها، پیش‌بینی‌پذیر می‌گردند و پژوهشگر با سازه ذهنی خود شگفتی می‌آفریند.

گرچه اصالت و به‌ویژه بینش اکتشافی، راه‌های جدید دانایی را می‌گشاید، اما بینش باید از خصیصه سودمندی نیز برخوردار باشد. سودمندی نیز دو بعد دارد: سودمندی علمی^۱ و عملی^۲. در واقع، سودمندی باید پیشبرد یک رشته علمی و بکارگیری دانش در عمل را به همراه داشته باشد. سودمندی علمی یعنی پیشرفتی که دقت و بینش فکری را تعمیق و بهبود دهد و همزمان پتانسیل عملیاتی و آزمون‌پذیری آن را افزایش دهد. نظریه‌های با کیفیت بالا، شرایط و مرزهای روابط را نیز تعیین می‌کنند. زمانی که نظریه به طور مستقیم برای حل مسائل دنیای واقعی به کار می‌رود، سودمندی به لحاظ عملی حاصل شده است. به عبارت دیگر، در نظریه توصیه سیاستی مشخصی برای حل مسائل دنیای واقعی بیان شود. در مقاله‌های کاربردی محض، بیشتر بر سازماندهی پدیده مورد بررسی تأکید می‌شود.

نظریه با فراهم کردن پیوستگی، کارایی و ساختار برای پرسش‌ها و برنامه‌های پژوهشی، می‌تواند علم را تعالی و ارتقا بخشد و مرزهای علم را گسترش دهد. در نظریه خوب به لحاظ عملی، عواملی که باید مورد بررسی قرار گیرند و چگونگی و چرایی ارتباط آنها با یکدیگر مشخص شده است. وجود یک جامعیت سیستمی براساس اصول پیشینی^۳ و با گذار از سه مرحله تجزیه و تحلیل پدیده مورد مطالعه^۴، پی بردن به منشاء پیدایش و تکوین^۵ پدیده، آمیخته ساختن آموزه‌ها^۶ و رسیدن به فرم‌هایی^۷ که نظم سیستماتیک مورد انتظار (نظریه) حول آن سامان می‌یابد.^۸ براین اساس، نظریه خوب شکل یافته دقیقاً

^۱ Scientific

^۲ practical

^۳ A priori

^۴ Analysis

^۵ Genesis

^۶ Synthesis

^۷ Forms

^۸ جهت مطالعه مراتب ساخت تئوری و رسیدن به جامعیت در علم رجوع شود به مقاله زیر

به دلیل اینکه دانش را در یک رشته آکادمیک تعالی می‌بخشد، پژوهش را به سوی طرح پرسش‌های جدی و اساسی سوق می‌دهد و به آن حوزه علمی، رونق و تازگی می‌بخشد. البته این دو بعد سودمندی علمی و عملی، لزوماً مانع‌الجمع نیستند، بدین معنی که ممکن است یک پژوهش، سودمندی علمی و عملی را به طور توأمان داشته باشد.

نکته مهم دیگر این است که پژوهش باید از قدرت بصیرت و آینده‌بینی^۱ برخوردار باشد. یعنی از بصیرت و آگاهی قبل از وقوع رخداد، پیش‌بینی آنچه که نیاز است بدانیم و قدرت تأثیرگذاری بر چارچوب‌های روشنفکری و جهت‌دهی مباحث علمی یک پارادایم علمی برخوردار باشد. این نوع بینش و علم قبلی موجب می‌شود به ماورای چارچوب‌های متعارف آکادمیک گام نهاده و با سلطه بر افکار و اندیشه‌ها، زمینه‌سازی برای تشکیل نهادهایی فراهم شود که بر سرنوشت عملی جامعه (آن طور که می‌اندیشیم) تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، پژوهشگر در ساخت و سرنوشت آینده بشریت سهم داشته باشد (مقاله روزن اشتاین رودن^۲ که گفته می‌شود زمینه شکل‌گیری اروپای واحد را فراهم کرد)^۳. هدف پژوهشگر از تألیف مقاله، باید ارتقای دانش، تحرک و پیشرفت حوزه تفکر، برقراری پیوندهای جدید بین مفاهیم قبلی و کشف الزام‌های عملیاتی از این روابط باشد. با توجه به مباحث مذکور، مقاله‌ها را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد:

- ۱) مقاله‌هایی که اصالت و سودمندی دارند و به روشنی از دیدگاه ارزیاب‌ها مقبول هستند؛
- ۲) مقاله‌هایی که معمولاً یکی از ابعاد اصالت یا سودمندی را دارند، مثلاً از سودمندی به لحاظ علمی برخوردارند، ولی اصالت کافی ندارند یا اینکه صرفاً بینشی مکاشفه‌ای دارند. این نوع مقاله‌ها معمولاً برای چاپ با چالش‌هایی مواجه می‌شوند و اصلاحات بسیاری را می‌طلبند؛
- ۳) مقالاتی که در هر دو بعد اصالت و سودمندی ضعیف هستند. این نوع مقالات، قطعاً برای چاپ در نشریات پذیرفته نمی‌شوند.

وهابی ایبانه، محبوبه & مبینی دهکردی، علی. (۱۴۰۲). نگاهی بنیانی به چیستی و چگونگی تحقق مرجعیت علمی در علوم انسانی. *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی* ۱۰، ۲۲۰-۲۳۷. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/jed.۲۰۲۳.۳۷۰۱۷۹.۶۵۴۳۱۱, ۱۶(۴), ۱-۲۸.

۱. Prescience

۲. Rosenstein-Rodan, P. N. (۱۹۴۳). Problems of Industrialisation of Eastern and South-Eastern Europe. *The Economic Journal*, ۵۳(۲۱۰/۲۱۱), ۲۰۲-۲۱۱.

^۳ آیا زمینه تجلی این نوع اندیشه‌ها در دانشگاه‌ها فراهم است؟

مقاله‌های گروه اول، مخصوص نشریاتی است که در نظریه‌پردازی پیشگام هستند و هدف آنها، انتشار نظریه‌های جدید از صاحب‌نظران یک رشته علمی است. به جرأت می‌توان گفت که چنین نشریاتی در رشته‌های علوم انسانی ایران، هنوز وجود ندارند و شاید بهتر باشد بگوییم که اصولاً تقاضا برای چنین نشریاتی هنوز ایجاد نشده است. در این حوزه، ضرورتاً اندیشمندان باید به مرحله نظریه‌پردازی رسیده باشند و کمتر مصرف‌کننده باشند. تألیف این گروه از مقالات، مستلزم تخصص و تسلط بر موضوع مورد بررسی است، یعنی نویسنده باید درباره آن موضوع، به مرز دانش روز دنیا رسیده باشد. پس از این مرحله، می‌توان چیزی به مجموعه دانش اضافه کرد. مقاله‌های این گروه، محتوی ایده‌های جدیدی است که لزوماً با واقعیات پیوند دارند و از فایده‌های عملی برخوردار هستند. مقاله‌های گروه مذکور، در صورت مبرا بودن از سایر ایرادها، می‌توانند در نشریات معتبر بین‌المللی (از جمله نشریه‌های با ایندکس ISI) چاپ شوند. مقاله‌های گروه دوم که فقط یکی از جنبه‌های اصالت یا سودمندی را دارند، می‌توانند در حوزه‌های پژوهشی و تخصصی ویژه‌ای قرار گیرند (فقط برای ارتقای علمی) یا اینکه در آن با استفاده از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جدید، مسائل کاربردی و عملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاید بتوان گفت که یافته‌های این نوع مقالات، برای حل مسائل جامعه ما سودمند هستند. یعنی مقاله‌هایی که در آنها ایده جدیدی برای حل مسائل دنیای واقعی در اقتصاد ایران به کار گرفته می‌شود. گرچه ممکن است ایده علمی مقاله قبلاً در نشریات معتبر مطرح شده باشد، اما نویسنده توانسته است با تغییر مدل، انطباق آن با شرایط ایران و بسط نظریه برای عملیاتی کردن، تجویز سیاستی ویژه‌ای را بیان کند. این نوع مقالات برای بسیاری از نشریات که جنبه سازمانی داشته یا دغدغه‌های خاصی در جامعه را هدف قرار داده‌اند، یقیناً مفید خواهند بود. البته چنین مقاله‌هایی که فقط جنبه کاربردی دارند، معمولاً از شانس کمتری برای پذیرش در نشریات معتبر بین‌المللی برخوردار هستند.

ارزیابی هر مقاله از حیث اصالت و سودمندی، مسئولیتی است که داوران مقاله‌ها به‌ویژه در نشریات علمی - پژوهشی بر عهده دارند. علاوه بر این، سازوکارهای انگیزشی ارتقای اساتید، حداقل در رشته‌های علوم انسانی (و به ویژه کارآفرینی) باید با توجه به میزان سودمندی، عملیاتی بودن و راه‌حل‌های بیان شده در مقاله برای حل مسائل کشور، مورد بازنگری جدی قرار گیرد.

دکتر علی مبینی دهکردی

استاد دانشگاه تهران